

## مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام  
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی  
و یومیة (جبل المتین)

(عنوان مراسلات) —  
طهران خیابان لاله زار  
نامب مدیر میرزا سید حسن کاشانی  
دبیر اداره آقا شیخ یحیی کاهالی

غیر از روزهای جمعه همه روز  
طبع و توزیع میشود

## یومیة

## جبل المتین

۱۳۱۱

## طهران

## قیمت اشتراك سالیانہ

طهران ۴۵ فران  
سایر بلاد داخله ۵۰ فران  
روسیه و قفقاز ۱۲ منات  
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت يك نسخه) —

در طهران سه شاهی  
سایر بلاد ایران یکببای است

قیمت اعلان سطر

دو قران است

روزنامه یومیة ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

بامضا قبول و درانتشار اداره آزاد است

شنبه ۲۸ رجب المرجب ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۹ شهریور ماه جلاوی ۸۲۹ و ۷ سپتمبر ۱۹۰۷ میلادی

## راجع بامر خوی و ماکو

(مکتوب تغییر آئین)

مدیر جبل المتین — از وطن پرستی و صداقت  
شما نهایت تمجب است که حقایق را کتمان کنید و از نشر  
واقعات خوی و ماکو که دل هر غیرتمند وطن خواهی را  
را محترق میسازد چشم پوشی نموده حقوق وطنی  
خود را ادا ننمایید — هر کاری يك وظائفی دارد که  
چون آدم اقدام بدانکار کرد باید تمام وظائف آن  
شغل را بجا بیاورد تا مقصر نگردد روزنامه نویس ملک  
است تمام وقعات روزانه و حوادث عالم را خصوص  
حوادث داخله مملکت خویش را درج و نشر نماید پس  
جهت چیست شما که اینهمه لاف و گراف میزنید از  
اینوقایع عمده که از واقعات تاریخی محسوب میشود حرف  
نظر میکنند متجاوز از هزار نفر آدم و بچه و زن کشته  
شده شما میترسید اسم برید — خبر دارم يك تلگرافی  
هم از خوی برای اداره جبل المتین آمده و از نشر آن  
غفلت کرده اید مگر وقایع نکاران عثمانفصیل را ننوشتند  
چطور است که يك حادثه ناقابلی که در يك گوشه دنیا  
واقع میشود و مستر بودند بامسیو ما کماهون در امریکای  
جنوبی يك صحبتی میدارند فوراً طبع و نشر میکنند لکن  
اینجا عذر میاورید گیرم وقایع نکاران شما ننوشتند و شما  
اطلاع نداده اید روزنامه انجمن آذربایجان را که خبر  
دارم بعنوان مبادله برایتان میاورند چرا مطالعه نمیکنید  
والله مطالعه کرده و از طلب مسوقید لکن بملاحظات  
دور و دراز چشم بر هم گذارده اید باز برای اینکه راه  
عزرتان سدود باعد روزنامه انجمن نمره ۱۳۳ را

فرستادم اگر عینا واقعه خوی را از روی آن نقل و درج  
کرهید فیها والا بتمام اهل عالم بتوسط اوراق چاپی  
ثبات خواهم کرد که شما اول مفرس و اول خشن مملکت  
و وطن مستقیم چه معنی دارد روزنامه نویس اغراض  
شخصی و ملاحظات خصوصی را مناسط کار روزنامه  
قرار بدهد اقبال السلطه بدستور طهران آذنی در  
خاندان ملت میرند شما از نشان دادن محرک او در بیخ  
واعماض میکنید مرجحاً باین وطن پرستی ۱۱ آفرین بر  
این ملت خواهی ۱ آفرین کلام من بشما آنستکه اگر  
باز هم ملاحظه کنید بنظر دشمن وطن و مخرب ملک  
در شما نکا خواهم کرد و هر چه تکلیف است عمل  
خواهم نمود میرزا محمد المتخلص بموحد نخجوانی —

(جبل المتین)

تغییرات و تشددات صاحب مکتوب تاریخچه صحیح  
و موقوع است و ما خود قبول داریم که در این فقره کوتاهی  
و سادگی نمودیم لکن آفریننده هفت کردون کواه است  
که در این سادگی ما را هیچ عرض و آمزشی ملحوظ  
و منظور نبود جز آنکه دیدیم موقع گذشته و موضوع از  
بین رفته است و شاید بعضی حمل بر پاره خیالات نمایند  
— ملتی که در مدرسه در تحت يك پرگرام يك اصول  
تعلیم تکرر شده و بيك دستور تربیت نیفته اند هر فرد فردی را  
مذاتی علیحدده و سلیقه مخصوص است هر کدام سلیقه  
دارند معارف بامسلك سایرین در چنین ملتی روزنامه  
نوشتر کاری است بدایت دشوار زیرا که انسان هر چه  
بنویسد و هر مسلك پیشه خود قرار دهد مخالف با عقیده  
وسلیقه جمعی دیگر است و همواره مورد ملات و سرزنش  
یکدسته از مردم واقع میشود —

بلی روز هفتاد بیست و یکم رجب تلکرافتی مخبر مخصوص اداره از خوی بنا مخبره نموده بود و ما مصمم درج آن بودیم که در همان شب واقعه قتل اتابک روی داد دیدیم دیگر نشر این تلکرافت بموقع است و اسباب بدگونی بضمیمه میشود لهذا صرفی نظر از درجش کرده مسکوت عنه گذاریم بعد هم روز نامه انجمن تبریز رسید و شرحی در همان نمره ۱۳۳ راجع بتفصیل این قهره مندرج بود باز گفتیم حالا دیگر اسم بردن ازین واقعه بیمناسبت است و شاید حمل بر هتک غرض نمایند و بگویند انقلاب ولایات زیر سر حبل المتین است لکن حال که صاحب مکتوب چنین متغیرانه بنا حمله کرده و ما را هدف سهام ملات ساخته است بناچار خواهی نخواهی آن تلکرافت را درج کرده شرحی را هم که در روزنامه انجمن نوشته است عیناً نقل میکنیم لکن خاطر محترم قراء گرام مسبوق باشد که ما خود را بی نداده و عقیده خود را محفوظ میداریم و در نقل هم گویا ایرادی بر احدی نیامد هر روزنامه در نقل و ترجمه از سایر جرائد آزاد است

( سواد تلکرافتی مزبور )

از خوی بطهران نمره ۳۴ مورخه ۲۱ رجب حبل المتین یومیه — بسبب تلکرافتی و حمایت اتابک که باقیالسلطنه کرده باز عموم اهالی تعطیل نموده تلکرافخانه متحصن عزل اتابک و مجازات اقبال السلطنه را جداً خواستگار عین تلکرافتی را درج نامه مقدسه فرموده نتیجه را تلکرافتاً اخبار فرمائید ( ابراهیم )

قل از روز نامه انجمن تبریز نمره ۱۳۳ بتاریخ

۱۶ شهر رجب

( اخبار خوی )

در این اواخر که عشایر اقبال السلطنه مجدداً چند قهره از باقی مانده دهات را که قریه کلوانس و زور آباد است بکلی تهر و غارت کرده بیست و پنج باب دکانین زور آباد را تاراج کرده و سکنه قریه مزبور از اجبار فراری شده اند و چند نفر سرباز و عده از سوار ملتی بضرر کوله قشون اقبال السلطنه مقتول و منلوب شده اند و بقیه السیف دهاتیان دست اهل و عیال خود شان را گرفته اسیروار در گوجه و بازار خوی ریخته اند جناب حاجی حیدرخان امیر تومان که مجدداً خودش بقریه زور آباد حرکت کرده بودند که اردوی منلوب شده دولتی را مجدداً تشکیل داده پیش راه اشار را نوعی سدود نمایند بیام اقبال السلطنه در زور آباد بجای حیدرخان امیر تومان میرسد که با من چه مناصب و مجادله دارید تلکرافتی که اتابک بمن کرده سواد آنرا فرستادم ملاحظه نمائید حاجی حیدرخان هم همان سواد ریخوی فرستاده بود که تحقیق خود صورت

تلکرافتی را نزد حکومت برده ارائه داده بودند حکومت با تعلق هیشی بتلکرافخانه رفته و جمع کثیری از ملت هم حاضر شده بودند سواد تلکرافتی را که حاجی امیر تومان فرستاده بود بر رئیس تلکرافخانه نشان میدهند که این تلکرافتی بوابه طه سیم خوی آمده و شما بما دستور فرستاده اید یا از جی دیگر مخبره کرده اند رئیس جواب میدهد که تکلیف من نیست بگویم حکومت میکوید جناب رئیس شما دفتر دولتی را بیاورید ارائه بدید ملت از کریسیان من دست بردارند من سندی نوشته شما میدهم که مسئولیت این امر بعهده من باشد رئیس قبول نمیکند بعد از آنکه ملت به هیجان آمده و در ارتکاب دولتی بر از جمعیت میشود رئیس میکوید بلی این تلکرافتی از طرف اتابک بعنوان اقبال السلطنه ز تلکرافخانه خری آمده و من فرستاده ام ملت اظهار مینمایند پس — المقتنی این تلکرافتی را بدهید بتبریز فرستیم جواب عتاب آمیز میدهد چه تکلیف بیبروده بمن مینمائید ملت مجدداً به هیجان و کوره آمده نه کان میگوند جناب رئیس شما با ملت همکیش و هم مذهب و برادر طریقت هستید چگونه تحمل دارید که اطفال صغیر در زیر پای عشایر و اکراد تلف بشود چالا که نسخه ثانی نمیدهد حاجیه این سواد را تصدیق بنویسید که به تبریز فرستیم اعتقاد صحیح نمایند حکومت هم با ملت در این باب هم قول و هم عقیده شده یک ساعت تمام اصرار مینمایند تمکین نمیکند اضطراب اهلی بیشتر و یک دهم صدای شایک تفنگ از اطراف و صحن تلکرافخانه بلند شده یک نفر از ملت مقتول و دو نفر زخمی و خود عباسقلیخان رئیس تلکرافخانه هم کوله خورده و میافتد و پس از این مقدمه زخمی شدن رئیس صورت تلکرافتی مزبور را گرفته و از پست بتبریز فرستاده اند که عیناً محض اطلاع اهالی درج میشود —

( از طهران ) ( نمره ۳۷ )

جناب جلال لتمام امیر الامراء القظام اقبال السلطنه زید مجده تلکرافتی شما از بابت بعضی مفیدین رسید از مراتب اظهاریه کاملاً اطلاع حاصل کردید اولاً میدانید که خدمات شما همیشه منظور نظر بوده است و کمال محبت را بشما داشته ام از حرکات و وحشیانه اینها نهایت تعجب را حاصل کردم باجلال الملك تا کیدات لازمه شده و بحکومت نمودم که ملاحظه این نکات را نموده اقدامات خود شانرا تغییر بدهند و ترتیبی پیش نهاد کنند که آسایش خاطر شما حاصل شود حضرت مستطاب اشرفی الفخیم والا شاهزاده اکرم سرکار فرما قرما دام اقباله بهر ما همرمائی و سرداری کل آذربایجان برقرار شده همین دو روزه حرکت خواهند کرد دستور العمل لازم در

این باب ایشان داده شده است استعداد و قشون هم قدر  
 لروم فرستاده میشود انشاء الله بعد از ورود ایشان رفع  
 بهمن اتفاقات بکلی خواهد شد و برخی احوالات بکلی  
 موقوف میشود شما نباید از اینگونه اتفاقات مایوس بشوید  
 و اظهارات مایوسانه ننمائید البته دولت در اصلاح امورات  
 شما اقدامات خواهد کرد و از هر جهت آورده خواهید  
 شد باید در تن سرحد با کمال غیرت و دلگرمی مشغول  
 خدمت باشید ( اثابث اعظم )

اسرار معانی این تلگراف را از خوی جداً بموقع  
 مذکور گذارند که با این همه مظالمهای بی حساب اقبال السلطنه  
 علت این مهربانی و عطوفت چیست و هیئتی که از خوی  
 معین شده بودند که با حاجی حیدر خان امیر تومان برای  
 اصلاح عمل ما که بقره ضیاء الدین بروند هنوز حرکت  
 نکرده و کویا اهالی خوی مانع شده اند که ما بجهت اطمینان  
 راضی بروفتن شما بشویم که شاید اقبال السلطنه شما را هم  
 مثل اعضاء انجمن ماکو تلب یا اسپر کند !!!

( اخبار شهری )

دور چهارشنبه بر حسب معمول انجمن آذربایجان  
 منعقد گردیده شرحی خطباء از باب گرفتاری این چند  
 نفر که اداره نظمیّه محبوبه صحت نموده که این نوع  
 کارها بر خلاف قانون مشروطیت است اولاً تا وسیله  
 صحیحی در دست نباشد بمحض اتهام نمیتوان کسی را  
 دستگیر نمود و هر کس را هم گرفتند باید در محکمه  
 عدلیه علناً استطاق نمایند و تا بیست و چهار ساعت  
 بیشتر حق نگاهداشتن ندارند اگر ثابت شد مجازات  
 داده و الا مشخص نمایند فعلاً باید در این مورد اهتمام  
 نمود که باعث زحمت مردمان محترم نشود بعد از آن  
 عده زیادی از اعضاء انجمن حقوق بدانجا آمده شرح  
 اقدامات خود را بیان کردند و لایحه که بوزیر عدلیه  
 نوشته با جواب وزیر فرات نمودند که ذیلاً درج میشود

( سواد لایحه مزبوره )

بمحضر محترم دیوان عدالت عظمی دامت تابدات  
 عرض و تظلم ملت انجمن حقوق اینست که چند روز  
 میشود جناب میرزا عباسقلیخان و غیره را بخلاف هر ترتیب  
 توقیف فرموده اند در صورتیکه برای حفظ شرافت نوع  
 مقتضی بود انسانرا پس از این که معلوم شد از عقلا  
 و اشرف قومند یا بدون کفالت یا بکفالت ربط داده مرخص  
 نمایند و عنداللزوم باز جناب ایشانرا محترماً احضار  
 فرمایند کویا موقع آن شده است که دیگر از روی ظن  
 و تردید توهین شرافت و حیثیت کسی ننمود داعیتم یکنفر  
 فرزند نااهل نباید موجب هتک اعتبار شخص کسی  
 بشود فعلاً این انجمن ملتس است که اولاً چون ماها

کلا مؤید پیشرفت امور حقه و انانی هستیم مخصوصاً مروج  
 انتظامات حکومت نظامیه و دیوان عدالت عظمی میباشیم  
 و خود را مجتهداً چاقشان داور لشرای کبری ملی میدانیم  
 و از هر بقرتیبی نفرت داریم عرضه مبداریم که اگر  
 تحقیقات و استنطاقات جناب سان معزی الیه طول دارد  
 ایشانرا با گرفتارن کفالت مالی و جانی و شرفی از اعضاء  
 محترم این انجمن مرخص فرمایند که هر وقت خبر  
 کردند بهر محکمه بخواهند حاضر شوند هیئت محترم  
 این انجمن قدری ایشانرا شریف و از سوء اقدامات منز  
 می داند که تماماً خود را شریک مسؤلیت ایشان بشمارند  
 لهذا تقاضا داریم که استنطاق ایشان علی و در دیوان  
 عدالت عظمی و بحضور چند نفری از وکلا و وزرا  
 و مخصوصاً هیئتی از این انجمن ناظر جناب ایشان باشد دیگر  
 آنکه آرزو مندیم هر چه زود تر این استنطاق بشود که  
 راجع سوء ظن خلق از شخص محترمی شده باشد

( جواب دیوانخانه عدلیه اعظم یا علاء الملک )

این مجلس ( یعنی انجمن ) را باید بمجلس مقدس محترم ملی  
 بوزارت عدلیه معرفی فرمایند تا وزارت عدلیه حق  
 طر فیت با آنها داشته باشد اما در باب مسئله میرزا  
 عباسقلیخان چون بر این امر اول بتوسط حکومت  
 معرفی رسیدگی شده بهیچوجه دیوانخانه عدلیه را دخیل  
 نکرده اند و ترتیب دیوانخانه اقتضای دیگری دارد من  
 نمیتوانم دخیل بشرم مگر آنکه از مجلس مقدس ملی  
 به ترتیب دیوانخانه امر بفرمایند و دیوانخانه هم اجزاء  
 و لوازم رسیدگی چنین امر معظمی را فراهم آورده مشغول  
 ادای تکالیف خود باشند ( محمود طباطبائی )

بعد از قرائت آن لایحه و جواب وزیر مذاکره  
 زیاد نموده قرار شد فردا که پنجشنبه باشد بانفاق  
 بمجلس مقدس رفته شرح حل را برض رسانیده استدعاء  
 نمایند که میرزا عباسقلیخان و آقای میرزا صادق را حکم  
 کنند ضامن گرفته خلاص نمایند و فراری در خصوص  
 استنطاق داده شود --

پنجشنبه صبح که مجلس برقرار بود اعضاء انجمن  
 حقوق و بعضی اجماعهای دیگر بمجلس مقدس مشرف  
 شده و استدعای خود را عرض و کلاء رسانیدند حکمی  
 از طرف مجلس مقدس بافتخار اجلال السلطنه رئیس  
 نظمیّه گرفتند که ضامن گرفته آقای میرزا صادق  
 و آقای میرزا عباسقلی خان را مرخص نمایند و بعد هم بدون  
 جهت متعرض کسی نشوند و این امر را وسیله دخل خود  
 نسازند

## خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

( پنجشنبه ۲۶ شهر رجب )

امروز نواب و الاغازهاده بمشرف السلطان بسمت نمایندگی و ولایت از طرف اهالی لرستان بمجلس مقدس آمده معرفی شد عموماً تبریک گفتند بعد شروع قرائت نظامنامه وزارت داخله شد بعد از قرائت و تصحیح چند ماده از نظامنامه مذکوره لایحه از طرف عموم انجمنها قرائت شد مبنی بود بر اینکه اشخاصی را که به نسبت اتهام و تقصیر بی جهت و برخلاف قانون دستگیر نمودند و بی اجازه در خانه آنها ریخته عریان و بی لباس حاضر کردند چرا تا حال استنطاق نکردند در حالتیکه باید تا بیست و چهار ساعت استنطاق شده معلوم شود تقصیر و عدم تقصیر او فلامتدعی هستیم که مقرر شود امروز بقانون استنطاق شوند و هرگاه امروز نمیشود اشخاص صحیح و معتبر ضمانت و کفالت می نمایند که آنها را روانه کرده هر وقت بخواهند از برای استنطاق حاضر شوند اگر غیر این ترتیب باشد و بی جهت تاخیر در استنطاق شود اسباب زحمت و اشکال خواهد شد بعضی گفتند آن اشخاصی که دیروز برای نظارت انتخاب شدند خوب است احضار شوند و همین امروز استنطاق کنند گفته شد که آنها تا احضار شوند و دعوت از آنها بشود بروز شنبه خواهند افتاد امروز نمیشود حالا باید مجلس رای بدهد که اینها تا روز شنبه در عدلیه بمانند یا بدان ضمن بروند و روز شنبه حاضر شوند جمعی گفتند در این صورت باید بروند و هر موقعی که احضار کردند حاضر شوند بعضی گفتند حال ناشبه اینقدر وقتی نیست بعضی دیگر اظهار داشتند که این اشخاص مختلف هستند آنها نیکه بی جهت گرفته شدند و هنوز تقصیری از آنها ثابت نشد و ضمانت هم دارند باید بروند و هر وقت خواستند حاضر شوند ولی آنها نیکه یک اندازه محل اتهام و تصدیق هستند و منضم از نوشتهجات از آنها دیده شده باید باشد تا استنطاق بشوند بعد از مذاکرات زیاد قرار بر همین نحو شد تلکراف مفصلی از لاهیجان قرائت شد که لاهیجان از شهرهای قدیم ایران و صاحب توابع و بلوکات زیاد و همیشه حکومت لو از مرکز معین میشد در این صورت چرا نباید انجمن ولایتی داشته باشد در این مدتی که انجمن در اینجا تشکیل شد در کمال امنیت و آسایش بودا گر این حق را مجلس مقدس بخواهد از ما سلب کند ما راضی نخواهیم شد بعد از مذاکرات و مباحثات زیاد که اغلب تصدیق حقانیت آنها را کرده بودند گفته شد که چون مجلس امروز در باب ایالت و ولایت بودن گیلان رای داد باینکه ولایت

باشد ایالت در این صورت برای مجلس نمیشود که آنها انجمن ولایتی داشته باشند ولی حق انجمن بلدی دارند و فرقی بین این دو نیست زیرا که عرض رفیع تدبیرات و تجاوزات حکام است و الا محض اسم انجمن فایده ندارد و رفع بعضی تدبیرات بانجمن بلدی هم میشود ( مجلس ختم شد )

## ( شرح حال )

روز پنجشنبه ۱۸ رجب المرجب این بنده آقا میرزا محمد ولد مرحوم حاجی سید محمد علی اصفهانی بامل چار و اداری از اصفهان تا کاشان دو تومان کرایه دادم و عازم بطهران شدم که بروم بزیارت امام رضا از کاشان بتوسط کاری پست که خیالم آسوده تر از مال چار و اداریست بعزم طهران حرکت کردم در سورتیکه از اصفهان تا کاشان دو تومان هم بقره سوران انعام منسید بیچاره داده ام رسیدیم بیاغ شاه اسب عوض کرده بقدر یک میدان از بیاغ شاه دور شدیم در درهای شوراب یکمرتبه دوازده نفر سوار بختیاری لر دورکاری ما را احاطه کرده که هنوز سه ساعت بظلم داشتیم و از میرابه بضرر تهنه تفنگ و شلاق ما را با کاری از جاده خارج کرده تقریباً یکفرسنگ و نیم ما را برده اند در وسط دره و کوه سیاه کاری را نگاه داشته و ما بیچاره ها را پست دولتی از کاری بگین نموده و مشغول تاراج اسبابها بودند و سر پوش کاری را زمین گذاشته ما بیچاره ها را در زیر سر پوش با چند نفر تفنگچی در اطراف که میداد از زیر سر پوش جانی را نگاه بکنیم و دو نفر زانما همراه ایشان بودند و ابدا کلمه حرف نزدند تمام اسبابهای ما را بردند حتی عنابه من سید بیچاره را از من بدبخت فلک زده هفت عدد لیره عباء نائیفی سه دانه، عبای ماهوت ای دانه، اسکناس ده تومانی یکدانه، پول سفیدنه تومان، لباس همه جوره سه دست از فاستونی و غیره خورجین هزار ریش آفتابه دیک بر هر چه لوازم انسان است که همراه بود بردند

یک نفر از سر نشینها محمد جعفری بود خونساری صد تومان پول و اسباب او را بردند ابوالقاسم نام آدم سفارت روس دو دست تومان عباد الله یک ترک سیمصد تومان و تمام پست را باز کرده بودند هر چه خواستند بردند و یک راس اسب باری را باز کرده زمین مرکب گذاشته سوار شدند و یک صندوق اسبابهای نفیس مثل نشان و شمشیر طلا و غیره که صورت علاحد دارد که نوکر فومسول خواهد داد ما بیچاره ها را ناغروب کرسنه و تشنه در بیابان غیر ذی ذرع که آب و نان پیدا نمیشود تشنه و کرسنه نگاه داشتند آخ! را خوش بیاید که ما

در پیش زن و بچه و خانه واده خود راحت بخواید و دزد بیابانی ما را این طور برمان بیارود خداوند بدل شما مردم با انصافی رحم بدهد که امان ازنا انسی بپی را بخدا وا گذار کردم اما انصافی نیست که مایبچاره از ولایت اواره بدون خرجی پریشان گرسنه کسی بداد ما نرسد منی دولت مشروطه این است که ما را در بیابان بکشند و مالمانرا بسرفت بیرند مرحباً بییرت عما وزراء و وکلا

(گرمسلانی همین است که حافظ دارد)

(وای ایگر ازبی امروز بود فردنی)

میرزا محمد اصفهانی

اخطار

پس از فوت مرحوم اخوی میرزا علیمحمد خان صاحب امتیاز روزنامه (پرورش) همواره منتظر وقت ودرصد تهیه اسباب آن بودیم که جریده پرورش را بروش سابق دایر داریم تا این اوقات بروق دلخواه اسبابش فراهم شده و عنقریب اخوی میرزا عبدالله خان بری انجام این مقصود از مصر حرکت میکند چون شنیده شد جناب آذشیخ عیسی از وزارت جلیله معارف اخذ امتیازی فرموده و میخواهد روزنامه باسم پرورش بنویسد لهذا سواد رقیه وزارت جلیله معارف را ذیلادرج نموده بعموم اخطار مینمائیم که امتیاز رونامه پرورش ما خود این جانبان است و انشاء الله عما فریب بنشر آن ادم خواهیم نمود

(میرزا نصر الله هیبانی)

سواد رقیه وزارت جلیله معارف

اداره معارف نمره ۱۰۱۹

مورخه ۱۱ شهر رجب ۱۳۲۵

جناب جلالتماب آقای میرزا نصر الله خان شیبانی رئیس مدرسه فلاحیت دام مجده مراسله شریفه که از قصد و نیت خودتان در تاسیس روز نامه پرورش حکایت از اینکه امتیاز آن روز نامه به جناب آذ شیخ عیسی داده شده است شکایت داشت عز وصول بخشید البته خدمات مرحوم مفور میرزا علیمحمد خان رحمة الله علیه و زحماتی که دربار این روز نامه کشیدند بر کسی پوشیده نیست و این چه هم در رعایت این منی غفلت نداشته بلکه هدیه تذکر اولویت شما بطبع و نشر این روز نامه بودم و مخصوصاً روزیکه امتیاز آن را با جناب آقا شیخ عیسی میدادم ایشان خاطر نشان کردم که اگر از کسان مرحوم میرزا علی محمد خان که مؤسس اول این روز نامه بود بعنوان بیعت و اظهار الویت بمقام طبع آن بر آید شیخ معزی لیه باید اسم روز نامه خود را تغییر بدهند حالا که مینویسید خودتان در صد نشر آن

میشد و مخصوصاً میرزا عبد الله خان هم همین اصدار مصر طهران میاید اسم پرورش حق خودتان است چه ضرر دارد که همین اجازه را در روز نامه منتشر کنید تا هم جناب آقا شیخ عیسی میل از اقدام بطبع اسم روز نامه خودشان را تغییر بدهند و هم دیگری باین مقام بر نیاید

جناب آقا شیخ عیسی اطلاع داده شد که اسم دیگر اختیار کند  
مخبر السلطنه

تلگراف حضرت حجته الاسلام آقای حاجی میرزا احسین حاج میرزا خلیل بحضور مبارک بندکان اعلیحضرت اقدس شهر یاری خلد الله ملکه طهران حضور بندکان اعلیحضرت قدر قدرت شهر یاری ابد الله نصره

پس از مراسم دعا گوئی داعی واقعی بر حسب تکلیف لازم است بقدر مقدور در تقویت دولت ابد مدت و تشدید ملت و ترفیه حال رعیت و حفظ حدود سلطنت بذل جهد نماید خداوند متعال گواهد است که غرضی هم درین نبوده و نیست درین صورت خلوصاً و نصماً مسألت مینمائیم رفع هر ج و مرج و اختلافی که راهیضن سیاست و اظهار رافت بعموم رعیت فرموده باین احاطه که حفظ بیضه اسلام و مسلمین را که در شرف انهدام است اهم تمام امور دانسته بامجلسی که جامع جهات معروضه است کمال مساعدت و موافقت فرمایند تا قاطبه عباد و بلاد آسوده و امن و مزید دعا گوئی صمیمی گردد

الداعی جانی میرزا حسین حاج میرزا خلیل

تلگرافی حجج از نجف اشرف بمجلس مقدس شورای ملی

طهران مجلس محترم شورای ملی شید الله ارکانه ساقا مخایره نموده حالام زحمت میدهم خداوند متعال گواهد است که ما با بیدار غرضی جز تصویب دولت و تشدید ملت و ترفیه حال رعیت نداشته ایم عدم توضیح نظامنامه بصدقه همیونی موجب تعطیل امور و تضییع حقوق و سلب امنیت بری عباد و بلاد است از ناحیه داعیان از حضور مبارک بندکان اعلیحضرت سلطان اسلام ابد الله نصره درخواست شود که رفاه حال عباد و مسمور بودن بلاد را از مهمات شمرده قاطبه رعیت را بیذل اینترحمت فرین امتنان فرمایند تا پیش از این اسباب تقویت خارجه و تضعیف داخله نگردد (الاحقر نجل المرحوم حاج میرزا خلیل) (الاحقر عبد الله المازندرانی) (الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی)

(تلگرافات خارجه)

روزنامه طبعی مقاله مفصلی در خصوص تاسیس مجالس مفتی در هندوستان و محسنات این کار مینگارد بقیده روز نامه مزبور این اقدام مقرون بر حزم و

احتیاط و باینو هندوستان آلت و خیل از اینک با امنی خسران جلب بوزار که وز باید آقا پلیس فرمای حاکم و وار قشون در عهد پرتکال چیزی هیئت باینمتر این ار کردید نموده صدر بر شروع میشود مطالب داده و کلام اقواما هیئت

احتیاط و دلیل بر ایثار و گذشت دولت انگلیس بوده و باینوسیله نژاد اخلاقی و تقاریر بین دولت و اهالی هندوستان را محو می نماید اعتماد و اعتقاد روزنامه بر آنست که عموم ملت انگلیس صحت و صیانت این اقدام و خیل را در عهد بشناسند زیرا که بر دولت انگلیس از اینکه حق دخالت و خیر اندیشی و صلحت بینی با امانی اهالی هند در امور آنرزمن بدهر ضرر و خیرانی متوجه نبوده بلکه منافع کثیره از آنزنگذرد جلب خواهد شد

دولتین فرانسه و اسپانول بالاتفاق تذکره رسمی بوزارت جنگ مراکش فرستاد و جداً خواسته اند که وزارت مزبور بنا بر قرار داد عهدنامه الجزیراس بناید اقدامات هوری و لازم جهت تشکیل و تاسیس مامورین پلیس کافی در بنا در مراکش بنماید

اعلیحضرت امیراطور المان محض سرکشی کتشف فرمای بندر هاور شده در جواب عریضه و لایحه که حاکم محل تقدیم داشته چنین فرمودند بر شما واجب و وارد است که شکر گذار خداوند متعال و شمشیرتیز قنون امتداد آلمان بوده باعبد که در اینمدت متمادی درمهد صلح و امنیت زیسته خواهید وزیت

از لندن مجلس در بار در لیزبون ( پای تخت برنگال ) دیروز اعتماد یافته و چنانچه سابقا ذکر شد چیزی بود بواسطه بروز انقلاب و اغتشاشی در برنگال هیئت وزراء باختیارات تامه و قوه استبدادیه مامور بودند باینمنی که کنستسیون موقتا در عهد تمویق بود حالا این اول مجلسی است که بعد از وقوع این قضیه منمقد گردیده و کلیه اعضای دارانشورای کبری تا کید و اسرار نمودند که مملکت مجدداً بحالت کنستسیون عودت نماید صدر اعظم در اینخصوص جواب مساء می داده که دلالت بر قبولی و لزوم این تغییر مینماید

تعلیل پارلمان انگلیس در ظهر روز ۲۸ رسماً شروع خواهد شد

از لندن در اینموقع که پارلمان انگلیس تعطیل میشود روز نامجات مقالاتی در خصوص مسائل و مطالبی که هیئت وزراء و مجالس مذاکره نموده بصورت داده اند مینگارد اکثر آنها تمجید و تحسین از کفایت و کلادانی وزیر خارجه و وزیر هندوستان مینمایند و اقدامات آنها را که منزله فتوحات میدانند اعجاب آبروی هیئت وزراء و دولت می شمارند

چنانچه معمول است در موقع تعطیل پارلمان اعلیحضرت سلطانین انگلیس مجلس تشریف فرما شده و تعطیل پارلمان را شفهاً امر و اعلان میفرمایند و ضمناً طغی

شامل بر رؤس مسائل پلتیکی خارجه و داخله میفرمایند اعلیحضرت معظم چنین فرودند روابط بین ما و دول منظمه کماکان در نهایت دوستانه و مبل ما بر حفظ و بقای صلح در عالم است عهد تفاق و اتحادی بین ما و دولت اسپانیول بسته شد که حقوق و منافع جانبین را در بحر روم و اقیانوس اطلس کاملاً محفوظ و منظور داریم مجلس صلح لاهه که فعلاً منمقد است امید و اعتماد ما بر آنست که سعی آن مجلس منتج نتایج حسنه و عقد قرار دادهای لازمه بجهت تخفیف و تجدید مفاسد و مضار خونریزی گردیده و شاید حافظ و حامی صلح و صفا در صفحه دیا گردد

در مملک عظم ما یعنی هندوستان بعضی اشکالات و اختلافات موقتی پیش آمد ولی ما عزمین ما با کمال جرئت و تدابیر حسنه بجهت بهبودی ترتیب حکومت و ادارات و سرعت پیشرفت امور به عمل آوردند و آن تدابیر بنظر دقت شما اعضای مجلس رحمانیده شد و اقدامات عملیه لازمه تا کنون بموقع اجرا گذارده شده که بعدها در مجلس مشاوره هندوستان چند نقری از عقلای اهالی حضور و دخالت داشته باشند

و دیگر مجلس کنفرانس مملکات ما که دریای تخت ما منمقد شد بی انداره موجب رضایت خاطر ما گردید

( اعلان )

مهرهای الاستیک ( کاوچوک ) که بهترین اقسام مهرها است و در اغلب ممالک متدنه معمول و مرسوم است بطرز مرغوب و خط خیلی خوش بقارسی و فرانسه و روسی و ارمنی و کلیه خطوط و الینه بقیمت مناسب بلکه نازل تهیه و ساخته میشود هرکس میل بشود بر رئیس مطبعه روس سیولئون رجوع نموده فرمایش دهند بیزودی حاضر خواهد شد

( اعلان )

کلیات برنی میرزا ملکم خان جلد اول متمثل بردوازده رساله باعکس معظم له بهمت و غیرت دبیع زاده طبع شده در کتابخانه تربیت بفروش میرسد قیمت پاترده قران

( اعلان )

دکتر استپانیا حکیم مخصوص دندانسازی اعلیحضرت همایونی در خیابان علاء الدوله رو بروی خانه لیسر نظام کارخانه دندانسازی خیلی ممتاز و مکمل باز نموده و قبول می نماید همه جور ناخوشیهای دندان را مالهجه نماید بطرز بسیار امریکائی و همه روز صبح ز ساعت هشت الی دوازده فرنگی و بعد از ظهر از ساعت دو الی شش فرنگی در محل معروض بری رجوع کتندکان حاضر است

( حسن الحسینی کاشانی )